

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین
المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین
اللهم وفقنا و جمیع المجتهدین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که بود به مناسبت اوفوا بالعقود متعرض روایات شدیم، این آخرین روایتی را که خواندیم روایتی بود که منسوب به امام باقر یا امام صادق یا امام جواد علیه السلام که اوفوا بالعقود را راجع به عقود ولایت که در ده موطن بوده، دیگر من باز هم نشد دیشب و امروز مراجعه بکنم که نصوص دیگری که این موطن را ذکر کرده، عرض کردیم اگر ما باشیم إنما الکلام فقط این است که شاید تصور شده که این آیه روایت مبارکه علی تقدیر صدور این مثلاً به این که خلاف ظاهر است چون ظاهر آیه مبارکه این است که اوفوا بالعقود، عقودی که من گفتم، لا اقل این طور است، آن وقت این چطور می آید عقد ولایت را که پیغمبر فرمودند و در آیات نیامده شامل بشود؟

عرض کنیم ممکن است در جواب این طور گفته بشود چون روایتش را که الان قبول نکردیم اما ممکن است توجیه بشود که این اولاً خوب دقت بکنید این تفسیری که ده موطن قبلاً بوده و این ناظر به آن باشد این مبنی است به لحاظ نکته فنی که آیه مبارکه اوفوا بالعقود ناظر به امور سابق است، این را خواندیم از تفاسیر اهل سنت و هم یک مقدار عبارت مرحوم آقای علامه طباطبائی و عده ای از روایات که در آیات سابق عقد ذکر شده مثل عقد بیع، عقد اجاره، در آیات دیگر مسئله عهد آمده، مسئله نکاح آمده لذا آمدند گفتند آیه مبارکه اوفوا بالعقود ناظر است به این عقودی که در قرآن آمده و عهود، به نظرم آن روز عرض کردم که کلمه عقد در قرآن کاربردش زیاد نیست اما کلمه عهد و عهود در قرآن زیاد است، شاید چهل، چهل و دو سه مورد انواع مختلف کلمه عهد بکار برده شده است، عقود به نظرم سه چهار مورد که به درد ما بخورد، و لا تعظم عقدة النکاح یا عقد بیع، عقد بیع هم نیست، حالا تعبیر به عقد نیست إلا أن تكون تجارة عن تراض و اجاره هم هست، ألا أن تاجرني و یکی دیگر هم از موارد هست و إلا أن عقدتم الايمان که مربوط به قسم است، ربطی به این عقود متعارف ندارد اما عهود زیاد است، آن وقت این تفسیر مبنی بر این است که آن چه که

مربوط به ولایت امیرالمومنین سلام الله علیه بوده در حقیقت در خود قرآن سابقا آمده، شاید این سرّ این که این روایت را تاویل گرفتند برای همین است چون در قرآن صراحتا که نیامده پس چطور این روایت به این آیه مبارکه نظر دارد؟ در جواب توضیح عرض بکنم که یک امر متعارفی که در آن زمان بوده یعنی در زمان نزول آیات، یک بحث کلی راجع به کیفیت نزول قرآن، چجوری نازل شده و به چه ترتیب مثلا این که می گویند این سوره مائده من آخر ما نزل یعنی چه؟ اصولا قبل از این نبوده؟ با سوره مائده این مطلب درست شده؟ خب این که خلاف ظاهر است، نمی شود قبولش کرد، سوره مائده مثلا دهم هجرت نازل شده باشد و احکام قبلش نبوده، دو سه تا آیه بعد احکام وضوست و کیفیت وضو است و کیفیت غسل و تیمم، خب در روایات هم داریم که عمار چجوری تیمم گرفت و بعدش هم پیغمبر گفت عمار این جور تیمم نگیر، این است که ما بخواهیم بگوییم این آیات مبارکه نازل شد این احکام آمد که خب خلاف ظاهر است، کلا خلاف ظاهر است. این که این آیات مبارکه ناظر به مجموعه احکام سابق است این هم ثابت است انصافا اجمالا ثابت است، این چون می خواهیم یواش یواش به نتیجه گیری برسیم، إنما الکلامی که الان در این جا که همین ان شا الله امروز بحث را تمام می کنیم آیا این آیه مبارکه ای مثل اوفوا بالعقود به مجموعه عقود و عهود و اموری که سابقا در آیات دیگر آمده فقط به آن ها ناظر است؟ ببینید فقط! یا نه ناظر به آن ها هست و توسعه دارد؟ بحث را این جوری مطرح می کند.

پرسش: خب می شود تاویل و تفسیر

آیت الله مددی: نه تاویل نمی شود، توسعه دارد. یعنی سابقا عقد نکاح آمده، عقد بیع آمده، نه عقد های دیگر مثل فرض کنید عقد بیمه، تعمیمش بدهیم پس آیه مبارکه چون من آخر ما نزل یعنی در روایات هست حالا با قطع نظر از، احلّوا حلاله و حرّموا حرامه یا حتی در باب این که شخصی زمان عمر آمد گفت من دیدم پیغمبر مسح بر خفین کردند، امیرالمومنین فرمودند تو که دیدی قبل از مائده بود یا بعد از مائده؟ آن نظر واقعی است ممکن است مطلب تو درست باشد پیغمبر مسح بر خفین کردند اما سوره مائده که آمد این به عنوان یک متن قانونی قرار گرفت، دیگر به سابق نگاه نکن، فامسحوا برئوسکم و ارجلکم، پای خودتان، پا غیر از خُفّ است، خف به اصطلاح موزه، یک نوع به اصطلاح مثل جوراب بوده، شاید در بعضی از روستاها هم دیده باشید یک جوراب هایی بود پشمی

پایه اش چرم است، تهش چرم است، تقریباً یک چیزی مابین کشف و جوراب است، این را در حال سفر من کرارا توضیح دادم، این را در حال سفر می پوشیدند برای این که مثلاً از حیوان پیاده می شوند بخواهند راه بروند با کفش باشد در خیمه بخواهند بروند بدون کفش باشد حیوانی چیزی به پایشان نزنند، جنسش چرم بود ساقه هم نداشت، این خف را در کفش می کردند این ها می گفتند در سفر اگر بود دیگر روی همان خف مسح بکنند، نمی خواهد خف را بکند و موزه به اصطلاح، آن را بکند و روی پایش مسح بکند، این تمام بحث خف است و لذا هم عده زیادی شاید همه اهل سنت می گویند مسح بر خف فقط در سفر است، در شهر خودش باشد مسح بر خف نمی تواند بکند پس این طور بیاییم بگوییم این آیه مبارکه یک ناظر به اعمال سابقه بود، چون قبلاً که قطعاً وضو می گرفتند، نمی شود انکار کرد، نمی شود بگوییم که با این آیه تشریع وضو شده است لکن نکته را دقت بکنید که بیاییم این جور بگوییم که نکته این است که شارع مقدس با این آیات مجموعه اعمال سابق را دیده در عین حال بعضی هایش را تصحیح کرده، فرض کنیم پیغمبر مسح بر خف کردند این آیه آمد گفت و ارجلکم رو پا باید مسح بشود، این آمد توضیح داد، این متن قانونی شد.

دو: ممکن است در مجموعه آیات عهود و این ها ده تا ذکر شده، آیه می آید همان عقود سابق را می گوید در ضمن یک قاعده که این قاعده عقود سابق را هم می گیرد بقیه را هم می گیرد.

پرسش: مثل متمم قانون اساسی

آیت الله مددی: مثل متمم قانون اساسی، این که می گویند احلوا حلاله و حرّموا حرامه و این که می گویند مائده لم ینسخ منها شیء اشاره به این باشد پس بنابراین تا این جا معلوم شد که ما دو تفکر اصلاً داریم در اوفوا بالعقود:

یک: آیه ناظر است به مجموعه عقود و عهدی که در قرآن قبلاً آمده این جا جمعش کرده است

دو: آیه مبارکه ناظر به آن هاست و توسعه. اگر این را گفتید به درد ما نحن فیه می خورد و إلا نمی خورد. این هم خلاصه بحث. اگر

گفتیم آیه ناظر است به عقود و عهدی که قبلاً در قرآن آمده و این به عنوان یک تعبیر کلی برای کل این آیات است، اگر این را

گفتیم، اینی که در کتب اهل سنت گفتند عهدی که ذکر شده پنج تاست این را در حقیقت این تفصیلی که آمده یک مقدارش هم در

کتاب مرحوم علامه آمده و ایشان توضیح ندادند، توضیح روشن شد؟ از نظر فنی نکته فنی این است اگر بخواهیم فکر بکنیم نقطه مطلوب این است چون آیا فقط همان هایی که در قرآن است؟ مجموعه عقود و عهود که در قرآن است پس این دیگر به درد زمان ما نمی خورد، همان پنج تایی که آمده است. بخواهیم با آن عقود جدیدی را درست بکنیم نمی توانیم.

اما اگر بگوییم نه، آیه همان عقود را دارد، اصلاً شان این آیه که آمده به عنوان یک متن، این توضیحی بود که من دادم، چون هیچ کدام از این آقایان نگفتند، هدف اساسی از سوره مائده متن قانونی است نه این که فقط تشریع باشد چون وضو که قبلاً بود، این را می خواهد یک متن قانونی قرار بدهد، نکته متن قانونی این است که متن قانونی آن متنی است که عند الشک يرجع إليه لازالة الشک، این متن قانونی است، شما اگر شک کردید که مسح روی خود پا باشد یا روی موزه ای که پا را پوشانده؟ آن هم بالاخره پا را پوشانده است، به یک معنایی روی پا است، تا آمد در متن قانونی گفت ارجلکم یعنی موزه نمی شود، یعنی خف نمی شود. حالا فرض کنید پیغمبر هم و لذا من احتمال دادم، یک احتمالی است که من دادم بعید هم نیست قبل از آیه عده ای از مسلمان ها پایشان را مسح می کردند و عده ای هم می نشستند، اصلاً قول به تخییر هم هست از علمای تابعان، بعید نیست اما آیه مبارکه آمد کرد مسح، دیگر غسل معنا ندارد یعنی اگر ما آمدیم گفتیم بر فرض فلانی آمد گفت من دیدم پیغمبر پایش را شست، تفسیر روشن شد من چه می خواهم بگویم؟ می خواهم بگویم اشکال ندارد شاید قبل از نزول آیه هر دو بوده، هم پا را می نشستند و هم پا را مسح می کردند، نکته فنی این است که این آیه که آمد بشود متن قانونی دیگر آن غسل را بر می دارد، البته عرض کردیم این مطلبی است که من عرض کردم چون در کتاب ها و تفاسیر نیامده است، مطلب سنگینی است اما انصافش شواهد مویدش است اما اثباتش الان خیلی مشکل است و إلا مطلب خیلی مطلب قشنگی است، آن وقت سرّ این که آیه وضو آمده مفصلاً، فاغسلوا وجوهکم و ایدکم، و امسحوا برئوسکم و ارجلکم الی الکعبین، بگوییم این آیه هدفش این بود که پیغمبر اکرم در آخر سال ده که بعدش هم به مسئله ولایت و یا ایها الرسول و بلغ ما انزل الیک و مسئله تتمیم رسالت، این تتمیم رسالت غیر از ولایت متن قانونی هم داد برای تمام امت الی یوم القيامة که اگر فردا عده ای از اهل سنت گفتند مسح بر خفین، حضرت بفرمایند نه مسح بر خفین است، گفت قبل المائدة ام بعد المائدة؟

این تعبیر بعد المائدة را فقهای ما این جوری معنا نکردند، من این جور معنا می کنم، می گوید اگر قبل المائدة باشد ممکن است باشد یعنی امیرالمومنین می گوید قبل مائده ممکن است یعنی من می خواهم بگویم که امیرالمومنین می خواهد بگوید که بله ممکن است قبل از مائده مسح بر خف کردند اما مائده آمد برداشت، بعد از متن قانونی فقط مسح است.

پرسش: شاهد روایی دیگری است؟

آیت الله مددی: نداریم، اگر داشتیم این همه من زور نمی زدم، هی می گفتم من گفتم من گفتم که نمی گفتیم، این مطلبش خیلی قشنگ است اما انصافا دست ما بسته است. انصافا تصویر این معنا بعد المائدة مثلا این دعوای معروف که عثمان گفت پایش را شست گفت رایت رسول الله، بر فرض هم بگوییم چنین چیزی بوده، حالا فرض کنیم بوده پیغمبر یک وقتی هم پایشان را شستند، با آمدن سوره مائده متن قانونی مسح شد تا این که این حکم نسخ بشود و فرمود که مائده نسخ نشده است.

پرسش: شواهد تاریخی هست؟

آیت الله مددی: شواهد تاریخی که کاملا واضح است، اصلا آن بعد المائدة یا قبل المائدة که در مسح خفین که کسی پیش عمر آمد گفت دیدم رسول الله، امیرالمومنین آن جا حاضر بودند فرمودند قبل المائدة یا بعد المائدة؟

پرسش: مغیره بود؟

آیت الله مددی: مغیره که آدم فاسدی است، فکر می کنم یک اعرابی دیگر بود، مغیره که اگر بود عمر پیش از آن دیده بود، قطعا حضور عمر پیش رسول الله بوده به حسب ظاهری فیزیکی بیش از امثال مغیره بود.

علی ای حال کیف ما کان اگر این معنا باشد آن وقت اوفوا بالعقود هم و لذا من معتقدم معنای آیه را یکی از دو جور معنا کرد، یا خصوص عهودی که در قرآن آمده مجموعا یا آن عقود به ضمیمه قاعده کلی، ال عهد نگیریم بلکه جنس بگیریم، ال را جنس بگیریم و إلا اگر ال را عهد بگیریم می شود عهود سابق.

.....

پس بنابراین آن وقت این تفسیر که می گوید ده موطن پیغمبر عقد بستند این در حقیقت می خواهد توضیح بدهد عقودی که قبل از آیه بوده این عقود یک مقدارش در متن قرآن آمده، یک مقدارش در ضمن تفسیر قرآن آمده، تطبیق قرآن مثلا خداوند که فرمود و انذر عشیرتک الاقربین درست است که خداوند فرمود این این طوری بگوییم که اصولا در زمان صحابه این طور می فهمیدند یا اصولا فهم درست این است که وقتی فرمود و انذر عشیرتک الاقربین این آیه در مقام اجرایش چطوری شد؟ فامیلشان را دعوت کردند چهل نفر بودند از بزرگان قریش، بهشان گفت، جریان بنی هاشم را بهشان توضیح داد و ایکم یبایعنی علی أن یکون وصی من بعدی، این را هم فرمودند، بعد هم فرمودند که این وصی من است، حضرت امیر فرمودند من از همه کوچکتر بودم، بگوییم انذر عشیرتک الاقربین را تنها به عنوان این آیه نگاه نکنیم، تطبیقش هم کانما تتمه آیه است و لذا این وصایت هم در این خوابیده است. چون انذر عشیرتک الاقربین اصولا فهم خارجی این بود، وقتی می فرمود اقیما الصلوة، اقیما الصلوة را در صدر اول چه می فهمیدند؟ این نمازی که رسول الله دارد می خواند، نمی آمدند در ذهنشان بگویند نماز یعنی دعا، این اطلاق دارد انسان بایستد بنشیند بخوابد هر جور هست که دعا بخواند، همچنین فهمی در ذهن نبود، اقیما الصلوة را با صلوة عملی رسول الله می فهمیدند. انذر عشیرتک الاقربین را با انذار خارجی، در انذار خارجی وصایت هم هست، البته در باب آن حدیث خب اهل حدیث عده ایشان مخصوصا اخیرا سعی می کنند آن کلمه وصی را بردارند، این حدیث یک ذیلی دارد که در مصادر قدیم اهل سنت و از آن ها قدیمی تر در مصادر اهل زیدی هم آمده، آن کتاب مناقب امیرالمومنین مال محمد ابن سلیمان کوفی لکن تمامش یکی است، دو سه تا سند است همه اش منتهی می شود به امیرالمومنین، آن یک زیادی هم دارد، متون دیگر این زیادی نیست، این زیادی را فقط در این متن، این در تفسیر طبری هم هست، سند آورده در تفسیر طبری هم هست در متون دیگر هم هست لکن تماما سند آخرش به امیرالمومنین است که حضرت می فرمایند من در آن جا بودم و بلند شدم و اعلام کردم، بعد پیغمبر فرمود إن هذا وصی فیکم، این ذیلش این جاست فاسمعوا له و اطیعوه، این در بقیه متون نیست، حواستان جمع باشد، در طبری هم آمده، طبری هم با سند نقل می کند لکن ما در مصادر زیدی قبل از طبری هم داریم منحصر به طبری نیست، طبعا وقتی در طبری بیاید عده ای از مصادر بعدی هم متعرض می

.....
شوند، این کلمه را توش دارد فاسمعوا له و اطيعوه، آن متن متعارفی که هست من یبایعنی علی أن یكون وصیی من بعدی؟ البته عرض کردم انصافاً هم من خود کتاب را دیدم، این حیات محمد مال محمد حسین از علمای الازهر است، این در آن کتاب حیات محمد من چاپ اولش را دیدم، این توش دارد علی أن یكون، البته سند ندارد، کتاب حالت تاریخ دارد، سند نمی آورد، در چاپ دومش هم که بلافاصله شده وصیی را برداشته است، من هر دو چاپ را به چشم خودم دیدم، به رای العین دیدم اما اضافه بر آن کلمه این توش یک ذیلی هم دارد، فاسمعوا له و اطيعوه و از نظر فنی هم عرض کردم سند این روایت منحصر به خود امیرالمومنین بر می گردد یعنی این تعبیر را از صحابی دیگری من ندیدم، منحصر به ایشان است البته به نظرم راوی امیرالمومنین هم یک نفر است، بعد از آن دو نفرند یا سه نفرند، دو سه طریق می شود اما همه منتهی به امیرالمومنین سلام الله علیه می شود.

علی ای حال بعید نیست مراد حضرت این که در این روایت این عقد را گرفت مثلاً انذر عشیرتک الاقربین یعنی می خواهد بگوید این آیه ناظر است به آیات سابق، یکی از آیات سابق اولین موطنش انذر عشیرتک الاقربین است،

پرسش: یعنی تعیین مصداقش را عمل پیغمبر می داند

آیت الله مددی: آهان، آن وقت این می شود آیه

پرسش: مثل انفسکم

آیت الله مددی: آهان مثل انفسکم.

پرسش: چرا قبول نکردند؟

آیت الله مددی: نکردند که نکردند، پیغمبر نبوت را هم قبول نکردند.

پرسش: ابوطالب نبود؟

آیت الله مددی: آن ها می گویند نشد، به ابوطالب با مسخره گفتند فاسمع لابنک، پسر تو ولی امر توست. این را دارند

و اما آخرین موردی که داریم که بخواهیم بحث را جمع بکنیم آخرین آیه هم یا ایها الرسول بلغ ما انزل علیک، اگر در این دستگاه هایی که دارید این کتاب روح المعانی آلوسی، آلوسی چون در بغداد هم بوده و مواجه با شیعه هم بود خیلی ضد شیعه است، خیلی معروف به مضاده است، اگر این روح المعانی را دارید این آیه را از این روح المعانی بگیرید این روح المعانی آلوسی بلغ ما انزل إلیک من ربک، ببینید روح المعانی هست یا نه.

به بحث خودمان برگردیم، آن چه که الان به ذهن ما می آید این است: حالا یک جمع بندی کلی، فکر می کنم که دیگر برای تمسک به آیه مبارکه جمع بندی روشن شد و عمده جمع بندی این است که ما از آیه مبارکه چه استظهار بکنیم؟ به لحاظ چون مبنای شیعه همیشه این بوده که در فهم آیات باید به روایات اهل بیت مراجعه کرد آن چه که ما در این جا به عنوان روایت داریم، یکی از حضار: یا ایها الرسول الی الثقلین کافه از این جا بخوانم؟

آیت الله مددی: نه بلغ ما انزل إلیک.

این بلغ ما انزل الیک اولش صفحه دست راست است، صفحه دست چپی سطر های پنجم ششم، و روی ابن مردویه ولی سندش را نقل نمی کند، عن عبدالله ابن مسعود.

یکی از حضار: و روی عن ابن مسعود قال کنا نقرأ علی عهد

آیت الله مددی: کنا نقرأ علی عهد، خیلی عجیب است و از عجائب این است که این آلوسی که ضد شیعه است حدیث را رد نمی کند، این هم خیلی عجیب است، اعجبش این است، کنا نقرأ علی عهد رسول الله

پرسش: یعملون یا ایها الرسول بلغ ما انزل علیک من ربک ان علیا ولی المومنین

آیت الله مددی: خیلی عجیب است، این خیلی عجیب است، این امیرالمومنین را خداوند جوری قرار داده که دشمن و دوست مطالب ایشان را نقل می کنند. عبدالله ابن مسعود ضد نیست اما همراه اهل بیت نیست، همراه امیرالمومنین نیست مخصوصا یک مدتی هم کوفه و اوضاعی که داشت.

حالا دو مرتبه بخوانید:

یکی از حضار: و أخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ

إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ أَنْ عَلِيَا وَلِي الْمُؤْمِنِينَ

آیت الله مددی: این خیلی عجیب است کنا نقرأ علی عهد رسول الله.

پرسش: قرآن که می خواندند با تفسیر می خواندند؟

آیت الله مددی: ظاهرش این طور است، البته خومد اهل سنت مصر اند که قرآن عبدالله ابن مسعود اختلافش با این قرآن موجود زیاد

است، عرض کردم در این مصائب سجستانی ۲۵ صفحه، ۳۰ صفحه فقط اختلافات قرآن عبدالله ابن مسعود با همین قرآن عثمان را

گفته است، می خواهم این را بگویم روایت که می گوید خداوند اخذ البیعة علی ظاهرش این است که از قرآن است، این که ظاهرش

این است که از قرآن است این موید این مطلب است، حالا این که از ما نیست و یکی آن وری است و عجیب این است که آلوسی

رد نمی کند، این خیلی عجیب است.

پرسش: ابن مردویه را قبول دارند؟

آیت الله مددی: بله این که از بزرگان اند، این ها شیوخ اند، شیوخ دیگر توثیق نمی خواهند، ابن مردویه ۲۳۰، ۲۴۰ است، اصلا این

شیوخ بزرگانشان توثیق نمی خواهند، فوق توثیق اند.

بعد هیچی نمی گوید، این خیلی عجیب است، بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ أَنْ عَلِيَا وَلِي الْمُؤْمِنِينَ

پرسش: در در المنثور هم همین را دارد.

آیت الله مددی: این را مراجعه نکرد، در المنثور را شاید دیدم، بعد ندارد که و لکن فی سنده کذلک، رد نمی کند، این رد نکردنش

خیلی عجیب است، رد نکردن آلوسی که قطعاً ضد شیعه است

یکی از حضار: ادامه اش این جور دارد که و خبر الغدير عمدة أدلتهم

آیت الله مددی: خبر غدیر را به لحاظ مدلول مناقشه می کند، اما این را مناقشه نمی کند، این خیلی عجیب است یعنی این واقعا جز اعجاز الهی است که در زبان عبدالله ابن مسعود جاری بشود که کنا نقرا فی عهد رسول الله مخصوصا می دانید که عبدالله ابن مسعود کسی است که می گوید من هفتاد تا سوره قرآن را به گوش خودم از زبان رسول الله شنیدم، هفتاد سوره را از زبان رسول الله به گوش خودم شنیدم، حالا اگر این هم جز آن هفتاد سوره باشد چون من آخر ما نزل من القرآن است دیگر، بلغ ما انزل الیک، این هم در سوره مائده است یا ایها الرسول بلغ ما انزل علیک.

پرسش: عهد رسول الله یعنی این هفتاد روز؟

آیت الله مددی: نه ایشان که از مکه مسلمان شده، جز مهاجرین است. هفتاد سوره نه هفتاد روز

پرسش: در حجة الوداع است دیگر

آیت الله مددی: شاید هم از پیغمبر، قاعدتا این آخر هایش است حتما از پیغمبر شنیده است.

کنا نقراً علی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم یا أیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ أَنْ عَلِیَا وَلِی الْمُؤْمِنِینَ، من می خواستم این روایت را بگویم چون ممکن است عده ای بگویند این روایت تاویل است، معلوم نشد خیلی هم روایت تاویل نیست، این واقعا ریشه قرآنی دارد، این به اصطلاح عده ای هستند که می گویند این آقایانی که متهم به غلو اند این طور نیست، این ها بزرگان هستند و ما ها عقلمان به این حرف ها نمی رسید خیلی عجیب است این روایت را تصور می کردیم ابتدائاً ضعیف است و خط تاویلی است، نه خب این خیلی واضح است یعنی مثل عبدالله ابن مسعود بگوید شما حساب بقیه اش را بکنید که کنا نقرا فی عهد النبی،

پرسش: جنس تنزیل است

آیت الله مددی: آهان از جنس تنزیل است نه تاویل، از خط تاویل نیست، خیلی روایت عجیبی است انصافا بینی و بین الله، بلغ ما انزل إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ ان عَلِیَا وَلِی الْمُؤْمِنِینَ.

پرسش: بعضی ها همین را ها ناظر به این می گیرند که قرآن تحریف شده است شما چه می فرمایید؟

.....
آیت الله مددی: عرض کنم ممکن است ایشان، من چون کرارا عرض کردم از بعضی روایات یک بحثی بود که آیا ما حدیث رسول الله را بنویسیم یا ننویسیم، این است که بحث نوشتن کتابت حدیث را نه سنن، حدیث را نسبت به عمر می دهند من عرض کردم کرارا درست نیست، این حدیث ابوسعید خدری است در بخاری هم هست، از پیغمبر نقل کردند من قرأ عنی، من کتب عنی غیر القرآن شیئی فلیمحوه، محو یعنی پاکش بکند، این ها گفتند حدیثی را از پیغمبر شنیدیم و غیر از قرآن است پاک بکنیم، عده ای از علمای اهل سنت حتی نه ما، توجیه کردند و به نظر من این توجیه درست است، بعضی شواهد عینیش هم الان عرض کردم که الان نمی خواهم وارد آن بحث بشویم، ظاهرا در زمان رسول الله وقتی قرآن را عده ای نوشتند بعضی از تفسیر های رسول الله را هم در قرآن نوشتند، این ان علیا از آن تفسیر رسول الله است که نوشتند، پیغمبر فرمودند که شما اگر از من چیزی نوشتید از زبان من به عنوان تفسیر آن ها را پاک بکنید، کتاب الله خالص بشود نه این که هر حدیثی که از من نوشتید پاک بکنید، آن مراد نیست،

پرسش: این توسعه را این ها انجام دادند

آیت الله مددی: من کتب عنی غیر القرآن، عرض کردم

پرسش: چون اکثرش مدح امیرالمومنین است؟

آیت الله مددی: نه، حالا مدح کاری نداریم، همین الان مصحف های قدیمی که هستند که اصطلاحا مصاحف عهد اموی می گویند من دیدم، همین مصحفی که مال یمن است که احتمال می دهند سال ۲۰ نوشته شده است

پرسش: کل قرآن است؟

آیت الله مددی: نه الان ناقص است

یکی از حضار: دو سه تا صفحه است

آیت الله مددی: بیشتر است، شرحش را یک وقت گفتم، مثلا هذه دارد، بعد دیدند روی کلمه هذه خط زده است، همین متن قدیمی که جز متون قدیمی قرآن است، احتمال می دهم همان قرآنی است که زمان عمر نوشته و به دخترش داده احتمالا و الان هم در مصاحف ما

هذه برداشته شده است و لذا عرض کردیم شواهد عینی هم داریم که موید است، این هذ را شاید پیغمبر خواندند به عنوان تفسیر این ها نوشتند، پیغمبر فرمودند اگر از من مطلبی در قرآن نوشتید از بیان من آن را پاک بکنید تا کلام من خالص باشد، این کنا نقرا ممکن است به عنوان تفسیر بوده بعد ها پاک کردند، بلغ ما انزل الیک من ربک ان علیا ولی المومنین،

پرسش: مبهم ۳۰

آیت الله مددی: در کشف الغمه نقل می کند؟

یکی از حضار: همین را دارد فقط ان علیا مولی المومنین

آیت الله مددی: در کشف الغمه شاید چون احتمالا از خود کتاب ابن مردویه مستقیم است، من چون شنیدم که کتابش یا چاپ شده یا جمع کردند، من الان چون ندیدم مقداری که الان نگاه کردم نشد مراجعه کلی بکنم که این اصلا سندش پیدا بشود، از این که آلوسی در سند بحث نمی کند فکر می کنم سند درستی دارد، خیلی عجیب است چون آلوسی خیلی شدید است

پرسش: شاید فکر می کرده اگر غدیر را رد بکند این هم رد می شود احتمالا

آیت الله مددی: شاید مثلا اما به هر حال چیز غریبی است، عبدالله ابن مسعود هم خیلی آن طور با ما ها نیست یعنی با امیرالمومنین نبوده، نه این که حالا ضد باشد، خیلی هم آن جور نبوده حتی می گویند اُتی بصحیفة فیها فضائل فامر، گفتند این حدیث مال عبدالله ابن مسعود است، می گویند عبدالله ابن مسعود یک مقدار حدیث فضائل بردند گفته این مرادشان فضائل اهل بیت است، و این مخالف است دستور دادند پاکش بکنند، نه این معلوم نیست، بله از عبدالله ابن مسعود این نقل شده ما رأه المسلمون حسنا فهو عند الله حسنٌ و لقد التقى الله یا اللهم الله قلوب المسلمین ان یتخذوا ابابکر، این از او نقل شده است که این الهام الهی است، علی ای حال می خواهم بگویم خیلی با ما نیست اما عجیب است که خودش از این و این را نقل بکند از آن بگوید خلافت ابابکر مما اللهم الله یا مما اوحی الله یک چنین تعبیری را دارد. این را نگاه بکنید، یک تتمه ای دارد، ما رأه المسلمون حسنا جداگانه در کتب اصول آمده، یک تتمه ای هم دارد که این تتمه اش همان بود که عرض کردم.

.....
پس بنابراین این حدیث را به حسب ظاهر که سند مشکل داشت می شود قبول کرد.

ما خیال می کردیم امروز بحث تمام می شود فردا ان شا الله بحث تمام است